

این واقعیات، چه در دوران اجرای برنامه تعدیل اقتصادی توسط کابینه ائتلافی هاشمی رفسنجانی - موفله اسلامی و چه در دوران گشایش فضای سیاسی در عرصه مطبوعاتی کشور در چهار سال اخیر ایفاء کرد.

پس از تصویب لایحه خصوصی سازی در بخش نفت و گاز، مهندس سحابی در سمیناری که با نام "نفت و اقتصاد ملی" در دانشگاه تهران برگزار شد گفت: «تاکنون هیچکس قراردادهای "بای-بک" را که اخیراً به امضاء رسیده ندیده و ما اطلاعات دقیقی از آنها نداریم. از طرف کسانی که در جریان آنها بوده‌اند با خبر شده‌ایم که مثلاً قرارداد "بای-بک" با کمپانی "توتال" حقیقتاً وحشتناک است، چرا که ۵۰ سال بعد از ملی شدن صنایع نفت باز شرکت‌های خارجی را به صنعت نفت بازگردانده‌ایم!»

این روند غیر ملی نه تنها در دولت هاشمی رفسنجانی و زیر نام «دوران سازندگی» دنبال شد، بلکه پس از پایان دوران ریاست جمهوری وی نیز، علیرغم شکست سنگین نماینده طرفداران شتاب بخشیدن به اجرای برنامه خصوصی سازی و پیوستن به پیمان تجارت جهانی، یعنی «ناطق نوری» هم توسط مجلس دوره پنجم دنبال شد. تصویب لایحه رسوای لغو روز ملی شدن نفت در مجلس پنجم برجسته‌ترین نمونه سیاسی و باج دهی به کمپانی‌های نفتی اسرائیلی-هلندی-انگلیسی بود. باندهای مافیائی قدرت، که بزرگترین جنایات را طی ۲۰ سال گذشته در ایران انجام داده‌اند، بزرگترین غارت را کرده‌اند و نامشان بعنوان نمونه‌های تاریخی خیانت به یک انقلاب عظیم و مردمی در تاریخ معاصر ایران ثبت خواهد ماند، با پنهان شدن زیر عبا و عمامه و پشت نقاب «دفاع از ارزش‌های اسلامی»، «حفظ قداست دفاع مقدس» (خیانت تاریخی ادامه جنگ با عراق) و بنام «انقلاب» ثروت ملی را چنان به تاراج بردند که اکنون از بیم افشاء شدن آن برای توده مردم، حاضر به هر جنایتی علیه جنبش کنونی مردم ایران هستند.

با آنکه بنیاد مستضعفان یگانه تشکیلات آلوده به مافیائی قدرت و ثروت نیست و پیوندهای اقتصادی محسن رفیق‌دوست-هاشمی رفسنجانی یگانه پیوند نیست، از این تشکیلات و از این پیوند نمونه‌ای را ذکر می‌کنیم. نمونه‌ای که در عرصه‌های دیگر و بنیادهای مالی دیگر، به اشکال مختلف بین روحانیون و گردانندگان، نمایندگان ولی فقیه و تصاحب‌کنندگان ثروت و نقدینگی کشور برقرار است و همه آنها در یک مجموعه به هم پیوسته علیه جنبش مردم عمل می‌کنند. از جمله می‌توان اشاره به پیوند آیت‌الله موحدی کرمانی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران با فرماندهان این سپاه در صنایع نظامی و یا بنیادی بنام "توت" بعنوان یکی از دهها بنیاد مشابه کرد، که امثال آیت‌الله یزدی، آیت‌الله جنتی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مهدوی کنی، ناطق نوری، سران موفله اسلامی، گردانندگان قوه قضائیه طی ۱۰ سال گذشته سهامدار عمده آنها هستند و ثروت خود را در این بنیادها، از طریق حفظ قدرت سیاسی در ساختار انتصابی حاکمیت حفظ می‌کنند. اعضای خانواده این آقایان، بویژه فرزندان ذکور آنها تحت حمایت پدرانشان این بنیادها و شرکت‌های تجاری و خطوط واردات، صادرات و شبکه توزیع را اداره می‌کنند. در میان این فرزندان ذکور، آنها که در سال‌های جنگ بجای رفتن به جبهه‌ها، راهی کشورهای اروپائی و امریکا شدند و با طی دوره‌های مدیریت و تجارت، پس از جنگ به کشور بازگشته‌اند، موفق‌تر از بقیه آقازادگان هستند. از آن جمله‌اند فرزندان و برخی اعضای خانواده هاشمی رفسنجانی. در راس همه این بنیادها، که خود یک امپراطوری مالی-مذهبی است، آستانقدس رضوی قرار دارد که شیخ عباس واعظ طبسی و فرزندانش مانند یک خانواده سلطنتی آن را اداره می‌کنند.

**پیوند هزار فامیل روحانی با سرمایه‌داران ماسونی
زمان شاه، در شرکت‌های مختلط تجاری**

پشت پرده شعار مبارزه با امریکا و غرب!

م. امید

حسین عادی در ونکوئر کانادا سرنخ ارتباط‌های سیاسی - اقتصادی هاشمی رفسنجانی با امریکا و «نژاد حسینیان»، نماینده رهبر در امریکا، سرنخ دیگر معاملات "بای-بک" و ارتباط‌های سیاسی با امریکا شده‌است!

از میان تمام شیوه‌های جلب سرمایه خارجی رایج در جهان مانند فاینانس، اعتبارات بانکی و کنترات مستقیم - شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی بدون استثناء مایل به عقد قراردادهای موسوم به "بای-بک" است. این شیوه که کم و بیش از ابداعات شرکت نفت است، تحت این بهانه انجام می‌گیرد که قانون اساسی صنعت نفت را صنعتی ملی اعلام کرده و اساس این شیوه نیز چنین است که شرکت‌های خارجی واگذاری ثروت ملی را به شرکت‌های نفت و گاز خارجی منع کرده‌است.

اساس این شیوه چنین است که شرکت‌های خارجی در مقابل سود ثابت ۱۸ تا ۲۰ درصدی و همچنین دریافت بخشی از نفت خام متعهد می‌شوند تا ظرفیت تولیدی را تا سطح مورد توافق بالا ببرند.

در این تردید نیست که تولید نفت و گاز ایران در ۲۰ سال گذشته بخاطر استهلاک ابزار تولید روند نزولی داشته‌است. در این هم تردید نیست که منبع اخذ سرمایه و فن‌آوری پیشرفته نیز در خارج از کشور است، اما روش "بای-بک" بخاطر آنکه مردم هرگز از قراردادهای آن با خبر نمی‌شوند و اطلاعات مربوط به این مذاکرات در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد به آسانی می‌تواند مانند دیگر عرصه‌های اقتصادی میدانی شود در انحصار باندهای مافیائی قدرت و ثروت. این واقعه، همان امری است که اکنون در جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته‌است و بازتاب‌های آن را در مقابله با آزادی‌ها، با شخصیت‌های میهن دوست و ملی ایران که در این ارتباط زبان به اعتراض و افشاگری گشوده‌اند خود را نشان می‌دهد. همانگونه که در ستیز با اصلاحات، آزادی مطبوعات و افزایش آگاهی مردم از واقعیات اقتصادی پشت پرده، خود را نشان می‌دهد.

برای نمونه ریشه‌های برخورد با امثال مهندس عزت‌الله سحابی را می‌توان در نقشی جستجو کرد که او در حد خود و در افشای بخشی از

دهه کودتا علیه انقلاب!

در طول تمام دهه دوم جمهوری اسلامی، که آن را باید دهه کودتا علیه انقلاب نام نهاد هاشمی رفسنجانی و محسن رفیق دوست از طریق دهها شرکت که در کشورهای مختلف جهان نمایندگی دارند بسیاری از امتیازات شرکت‌های مختلف را یا تصاحب کرده‌اند و یا بر آنها چنگ انداخته‌اند. سال‌های ادامه جنگ با عراق و خرید تسلیحات جنگی بزرگترین فرصت برای تجربه اندوزی، برقراری مناسبات بین‌المللی، یافتن دوستان معتمد در شرکت‌های بزرگ دلالی و یافتن واسطه‌های ایرانی در این شرکت‌ها و در میان این دلال‌ها بود. این تجربه، روابط و پیوندهای برقرار شده در دوران جنگ و خرید تسلیحات جنگی، بعد از جنگ و در دهه دوم جمهوری اسلامی تبدیل به پیوندهایی تا حد برقراری مناسبات ویژه با واسطه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و پذیرش برنامه تبدیل اقتصادی شد و ثروت بادآورده‌ای که از این طریق بدست آمد، به قدرت باد آورده تبدیل شد.

آبان‌ماه سال گذشته کمیسیون نفت و انرژی مجلس اعلام کرد بخاطر امکان زدوبند و اعمال نفوذ در قراردادهای "بای‌بک" تحقیق و تفحص همه جانبه‌ای را مجلس ششم شروع خواهد کرد. این پیشنهاد همزمان شد با پیشنهاد تجدید نظر در قانون مطبوعاتی که مجلس پنجم تصویب کرده بود. مخالفان اصلاحات با صحنه‌سازی در برابر مجلس و مخالفت با این تجدید نظر و سپس قرائت نامه رهبر خطاب به نمایندگان مجلس که خواست مافیای قدرت و ثروت را برای جلوگیری از تغییر قانون مطبوعات تأیید می‌کرد، در واقع خواست دیگری هم داشتند و آن را به نمایندگان مجلس پنجم تفهیم کردند: متوقف کردن تحقیق و تفحص در باره قراردادهای "بای‌بک"!

تجارت برنج، آهن، آلومینیوم، شکر، جو، گندم و «نفت»، ریسمان بیوند مخالفان جنبش مردم با اروپا و امریکا شده و سرمایه‌داران بزرگ دوران شاه نیز پل بیوند ارتباط‌های سیاسی این ارتباط تجاری شده‌اند!

این پل‌های بیوند تجاری، اکنون به پل‌های سیاسی-دیپلماتیک نیز تبدیل شده‌اند. پلی بین به ثروت و قدرت دست یافتگان جمهوری اسلامی از یک سو و سرمایه‌داران ایرانی خارج کشور و شرکت‌های بزرگ و تاثیر گذار روی سیاست خارجی امریکا و کشورهای اروپایی از سوی دیگر. یعنی همان اتحادی که مخالفان جنبش و اصلاحات برای جلب حمایت امریکا و برخی کشورهای مهم اروپایی و خنثی سازی اپوزیسیون سلطنت طلب خارج کشور از طریق جذب سرمایه‌داران بزرگ ایرانی خارج کشور روی آن حساب ویژه باز کرده‌اند. این پیوندها از دو طریق پیش برده می‌شود:

۱- وصل شدن به شرکت‌هایی مانند گروه موسوم به "بالی"، که اخیراً روزنامه "صدای عدالت" در باره نقش این گروه، حضور سرمایه‌داران دوران شاه در آنها و پیوندشان با شبکه‌های فراماسونری گزارش مهمی را منتشر کرد. این گزارش به نقل از کمیسیون تحقیق مجلس در باره بنیاد

مستضعفان و نقش رفیق دوست در برقراری پیوند با سرمایه‌داران فراماسونر و سلطنت طلب تنظیم شده بود.

۲- از طریق تاسیس دهها شرکت پوسته‌ای و جدید التاسیس در خارج. شرکت‌های پوسته‌ای (Shell Company) شرکت‌هایی هستند که با حداقل سرمایه و بدون داشتن کارمند تاسیس می‌شوند و چیزی جز یک «نهادحقوقی» نیستند! این شرکت‌ها، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، در روسیه نقش مهمی ایفاء کردند و مافیای روسیه را پرورش دادند. توسط این شرکت‌ها، یک کالا توسط چندین کمپانی که همگی آنها متعلق به یک نفر می‌باشد، چند بار دست به دست می‌شود و قیمت آن چند برابر قیمت تمام شده آن می‌شود. بخشی از گرانی غیر قابل کنترل کالا در ایران و **نقش مافیای قدرت و ثروت** در این گرانی اینگونه شکل گرفته‌است.

«حسین عادل»، رئیس سابق بانک مرکزی در جمهوری اسلامی که در جریان نبرد مالی-سیاسی بین شرکت‌های وابسته به هاشمی رفسنجانی و نبرد بین بنیادهای مالی-تجاری خارج از کنترل دولت مانند بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، آستانقدس، نبوت و ۲۰۰۰- از کابینه ائتلافی هاشمی رفسنجانی- متولفه اسلامی کنار گذاشته شد، یکی از گردانندگان شرکت‌های پوسته‌ای فعال در کار تجارت و معامله سیاسی با **عالیجنابان اقتصادی** در جمهوری اسلامی است. او، پس از خروج از ایران در "ونکوئر" کانادا مستقر شده و اکنون به یکی از چهره‌های تعیین کننده در برقراری پل ارتباطی تجارت با ایران و پیوندهای سیاسی با محافل اقتصادی تاثیر گذار در امریکا است.

شرکت بالی

نشریه رویتر در تاریخ ۲۹ آپریل سال جاری نوشت: شرکتی بنام «شرانرژی» که کانادائی و متعلق به شرکت "بالی" شیرانرژی با مسئولیت محدود است، مناقصه قرارداد بای‌بک میدان نفتی مسجد سلیمان را از شرکت ملی نفت ایران گرفته‌است. شرکت فوق ۴۹ درصد و مابقی ۵۱ درصد سرمایه‌گذاری را بعهده خواهند گرفت. این ۵۱ درصد را شرکت نفتگران ایران در اختیار خواهد داشت و سهام آن ۸۸ میلیون دلار در نظر گرفته شده‌است.

شرکت «شرانرژی» بعنوان شرکت "مادر" که ظاهراً مرکز آن باید در قبرس باشد، اساساً وجود خارجی ندارد. نام قبرس در این میان برای آن به میان کشیده شده‌است تا از ویژگی‌های این بهشت مالیاتی استفاده شود. در این میان نباید فراموش کرد که حوزه نفت و گاز مسجد سلیمان قدیمی‌ترین میدان نفت و گاز خاورمیانه است. (سال ۱۹۰۸)

شرکت «شرانرژی» دو سال پیش با ۲۴ هزار و ۶۶۴ دلار ضرر کرد و در سال پیش نیز ۱۶۶ هزار و ۱۱۲ دلار در آمد داشته‌است. به این ترتیب اولین سئوالی که مطرح است این است که چگونه است که کمپانی «شرانرژی» در میان دهها شرکت مهم و شناخته شده بین‌المللی موفق به کسب چنین امتیاز بزرگی شده‌است:

سئوال بعدی آنست که این شرکت با توجه به ضررهائی که در دو سال گذشته داشته- مبلغ ۴۲ میلیون دلار را از کجا تهیه کرده و یا می‌خواهد بکند؟

سرانجام، مهم‌ترین سئوالی که برای هر ایرانی می‌تواند مطرح باشد اینست که رابطه «حسین عادل» با این شرکت چیست و پل ارتباطی بین خانواده هاشمی و شرکت مذکور و معاملات اینچنینی که از زوربخت به

مطابق گزارش نشریه معتبر اقتصادی "مید"، در تاریخ ۳۱ اوت سال ۲ هزار، گروه بالی سالانه ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار فروش دارد و در ۲۰ کشور جهان دارای پایگاه اقتصادی است! این میزان معاملات سالانه، از شرکت "بالی" یک کنسرن جهانی ساخته است که در دهها رشته اقتصادی و تجاری فعال است؛ از جمله در تولید فولاد و دیگر مواد اولیه؛ محصولات کشاورزی، مواد شیمیایی، بیمه، بانک و ارتباطات دور! گروه "بالی" این موفقیت چشمگیر خود را به یک شیوه مدیون است و آن تمرکز روی سودآورترین بخش‌های اقتصادی در هر کشور و یافتن شرکای استراتژیک از میان افراد صاحب نفوذ در حاکمیت کشورها. در ایران برادران علاقبنده، علاوه بر ربودن بزرگترین امتیاز برنج بای‌بک، انحصار پخش تولیدات فولاد مبارکه را بعد از توسعه ۳۰۰ میلیون دلاری آن توسط یک کنسرسیوم بین‌المللی بعهده خواهد گرفت.

برادران علاقبنده و برادران هاشمی به کمک هم انحصار کامل توزیع ماشین‌آلات کمپانی زیراکس را در اختیار دارند. علاوه بر این بسیاری از فرآورده‌های خوراکی، از قبیل جو و گندم نیز از طریق آنها وارد کشور می‌شود. آنها سالی ۶۰ هزار تن آلومینیوم در بندرعباس تولید می‌کنند.

برای آشنائی بیشتر با قدرت اقتصادی برادران علاقبنده، چند نمونه دیگر را هم می‌آوریم:

رومانی - در این کشور، گروه بالی صاحب یک شرکت بیمه مختلط است؛ ۳۰ درصد سهام یکی از بزرگترین بانک‌های رومانی بنام بانک تجاری Robank متعلق به آنهاست؛ آنها صاحب یک مجتمع تولید آلومینیوم و چندین تجارتخانه در این کشورند. سابقه ورود "بالی" به رومانی به سال ۱۹۹۰، یعنی چند ماه بعد از سقوط چائوشسکو در این کشور بر می‌گردد. در آن سال یکی از نیرومندترین مردان رومانی بنام ژنرال ویکتور استانکولسکو که در سرنگونی چائوشسکو نقش اساسی بازی کرده بود و در دولت جدید سمت وزیر دفاع را برعهده داشت، بعنوان نماینده تام‌الاختیار گروه بالی در رومانی شناخته شد. از طریق وی بود که امتیازات اقتصادی مهمی به چنگ گروه "بالی" افتاد! آژانس فرانس پرس در ۱۸ آوریل سال ۹۷ نوشت که ژنرال استانکولسکو با ۸ میلیون دلار پول به ژنو گریخته‌است.

ترکیه نیز کشور دیگری است که گروه بالی در آن فعال است. این کشور پس از خصوصی سازی‌های گسترده دولت در اواخر دهه ۹۰، اکنون با بحران اقتصادی روبروست! گروه بالی با خانواده "بیرکنار" که از ثروتمندترین خانواده‌های ترکیه است شریک شد. در همین دوره وزیر کشور سابق ترکیه «چاوت چاکالار»، نماینده گروه بالی در ترکیه شد! مطابق همین شیوه، یعنی ایجاد پیوند اقتصادی با دولتمردان صاحب نفوذ در حاکمیت‌ها، شرکت بالی و برادران علاقبنده ابتدا با محسن رفیق‌دوست و بنیاد مستضعفان پیوند برقرار کردند و سپس از این طریق با هاشمی رفسنجانی، همان پیوندی که بصورت بسیار طبیعی به پیوند سیاسی و ارتباط سیاسی با صاحبان بزرگترین کنسرن‌ها و جلب حمایت دولتمردان و سیاستمداران صاحب نفوذ در انگلستان و آمریکا و صهیونیست‌های پرنفوذ در آمریکا می‌شود و از هر دو سو چشم امید به آن بسته‌اند!

لندن و از لوکزامبورگ تا ونکوئر کانادا گسترده شده چگونه برقرار شده‌است.

یک شرکت دیگر

شرکت «اینداستریز»، یکی دیگر از همسان نمونه شرکت‌هایی است که در بالا اشاره شد. شرکت‌هایی که رهبران مافیای ثروت و قدرت در جمهوری اسلامی راه انداخته‌اند و پشت شعار "مرگ بر استکبار" و باصطلاح دشمنی با آمریکا و غرب، به غارت کشور و مردم سرگرمند. این شرکت نیز که در کانادا ثبت است، در مناقصه‌های بزرگ و مهم نفت و پتروشیمی شرکت می‌کند. همین شرکت، سال گذشته در بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی نفت ایران شرکت کرده و گفته می‌شود کاندیدای تصاحب یکی از امتیازهای مهم "بای‌بک" است. مطابق اطلاعات منتشر شده توسط دولت کانادا در سال ۲ هزار، شرکت یا کمپانی مذکور تنها دو کارمند بیشتر ندارد. مطابق همین گزارش‌ها، درآمد سرانه این باصطلاح کمپانی نیز فقط هزار دلار تا نیم میلیون دلار اعلام شده‌است! بنابراین همان سئوالاتی که در مورد «شرانرژی» مطرح است در مورد این باصطلاح کمپانی نیز مطرح است.

از جمله شگردهای چنگ انداختن روی درآمد سرشار نفت، اتصال به شرکت‌های فراملیتی است که در این زمینه نیز، خانواده هاشمی رفسنجانی در صدر لیست قرار دارد.

گروه "بالی"، که مرکز آن در لندن است، یکی از بارزترین مصادیق اینگونه تلاش‌هاست. نخستین امتیاز در بخش پتروشیمی، بعد از انقلاب ۵۷، بصورت بای‌بک به شرکت پتروشیمی بالی، متعلق به گروه بالی تعلق گرفت. این پروژه عظیم صنعتی برای تولیدات پتروشیمی در بندر امام خمینی واقع شده و توسط یک شرکت مختلف که ۶۰ درصد آن متعلق به "بالی" و مابقی متعلق به شرکت نیمه دولتی پتروشیمی دماوند است. هر چند که چند و چون این قرارداد نیز، مانند صدها و هزاران قرارداد و زدوبند دیگر از مردم پنهان است و مطبوعات نیز چیزی در باره آنها نمی‌نویسند. همان مطبوعاتی که فرمان رهبر را برای مبارزه با فساد، رشوه، تبعیض و فقر با آب و تاب منتشر کردند!

تاریخچه بالی

گروه "بالی" یکسال بعد از انقلاب، با انتقال سرمایه از ایران به انگلستان تاسیس شد. یکی از شناخته شده ترین سرمایه‌داران زمان شاه، که با انقلاب از ایران گریخت، بنام "علاقبنده" همه تجربه خود را در این گروه بکار گرفت و بتدریج وارد بزرگترین معاملات اقتصادی با خانواده رفسنجانی و بنیاد مستضعفان در ایران شد. او را یکی از سرپل‌های مهم ارتباط فراماسونری جدید جمهوری اسلامی با تشکیلات فراماسونری جهانی می‌دانند، که در جلسات سالانه سرمایه‌داران بزرگ جهانی عضو فراماسونری نیز شرکت می‌کند و با آنها در ارتباط است. همان اجلاسی که محمدجواد لاریجانی، از جمله شرکت‌کنندگان همه ساله در آنست و در عین حال که پیام آور و پیام بر سیاسی تشکیلات فراماسونری جمهوری اسلامی با اعضای «داووس» است، خود نیز به چهره‌های شناخته شده در جمع آنها تبدیل شده و این ارتباط را سرمایه سیاسی خود در جمهوری اسلامی کرده‌است. کاری که فروغی‌ها، دکتر اقبال‌ها، شریف‌امامی‌ها، نهان‌دی‌ها و دهها چهره و نام کلیدی در کابینه‌های متمایل به انگلیس در زمان شاه ایفاء کردند و آنگاه که در کابینه‌های دولتی و یا در مجلسین سنا و شورای ملی حضور نداشتند، در پشت صحنه فعال بودند!